



ده دروغ بزرگ رسانه‌های گروهی درباره اسرائیل

میشل کولون (Michel Collon)

خاورمیانه بود. بنابراین برپایی دولت اسرائیل نه ناشی از جنگ جهانی دوم، بلکه مربوط به یک پروژه استعماری است که از مدت‌ها پیش طرح‌ریزی شده بود. باید یادآوری کرد که در همان دوره تاریخی، قدرت‌های استعماری اروپا سراسر آفریقا را مانند یک کیک معمولی بین خود تقسیم کرده بودند. در سال ۱۸۸۵ کنفرانسی از قدرت‌های استعماری با شرکت بریتانیا، فرانسه، بلژیک، پرغال، آلمان در برلین، در ارتباط با آفریقا برپا شده بود که البته از هیچ آفریقایی برای شرکت در کنفرانس دعوتی به عمل نیامده بود. آن دوره، دوره‌ای استعماری است و اسرائیل یک پروژه استعماری. این راه روشنی باید گفت.

بازگشت یهودیان به سرزمین خویش!!

دروغ دوم: می‌گویند یهودیان به سرزمین نیاکان خود که در سال ۷۰ میلادی از آن طرد شدند بازمی‌گردند. این هم یک افسانه است، زیرا من با مورخ معروف اسرائیلی شلومو ساند و مورخین دیگری گفت و گو کردم، آنها تأکید

۴۵-۱۹۴۰ به وجود آمده است.

این کاملاً غلط است. اسرائیل در حقیقت یک پروژه استعماری است که در کنگره یهود در شهر بال (سوئیس) در ۱۸۹۷ متعقد و تصویب شد و ناسیونالیست‌های یهود تصمیم گرفتند فلسطین را به استعمار خویش در آورند. در آن زمان واژه استعمار و کولونیالیسم شرم آور نبود، آنها به قدرت‌های استعماری آن زمان روی آوردند تا از این پروژه پشتیبانی کنند. امپراتوری عثمانی چندان علاقه‌ای به این پروژه نداشت و به آن اهمیتی نمی‌داد، اما برعکس، امپراتوری انگلیس بسیار به این طرح علاقه‌مند بود، چون می‌خواست در قلب جهان عرب یعنی درست بین دو شرق و غرب این منطقه، یعنی در فلسطین، کولون‌ها (مهاجرینی) مستقر شوند تا مصر را - که قدرتی بود - تضعیف کنند و کنترل کانال سوئز را خود در دست داشته باشند تا بتوانند به مستعمرات دیگر خود اسلحه بفرستند. بعدها، ایالات متحده حمایت از پروژه استعمار فلسطین را به عهده گرفت، چون هدفش دسترسی به نفت

در کارنگارش این کتاب که بودم، از همکارانم خواستم از مردم کوچه و بازار در بروکسل برحسب اتفاق بپرسند که آنها درباره تاریخ و موقعیت اسرائیل چه می‌دانند. پاسخ‌ها فاجعه‌بار بود و همه حاکی از جهل و عدم اطلاع؛ اما این جهل عمومی ناشی از تصادف نیست، بلکه نتیجه ۶۰ سال تبلیغات رسانه‌های گوناگون اروپایی است که خود را بهترین میانجی‌های اطلاع‌رسانی دنیا می‌دانند و کارشان در این باره چیزی جز بازتاب سیاست‌های تبلیغاتی و پروپاگاندا اسرائیل نیست؛ امری که خود نشان می‌دهد که آنها برای مردم و آگاهی آنان هیچ اهمیتی قائل نیستند.

من این پروپاگاندا را در سطورری که در پی می‌آید به صورت ده دروغ بزرگ رسانه‌ها خلاصه می‌کنم؛ ده دروغ بزرگی که برای توجیه موجودیت و اقدامات اسرائیل جعل شده است:

اسرائیل یک پروژه استعماری

دروغ نخست: می‌گویند اسرائیل در واکنش به کشتار عام یهودیان در جنگ جهانی دوم

می کنند که Exode یا خروج در کار نبوده و بنابراین retour یا بازگشت بی معناست. تحولات سیاسی و اجتماعی و نیز حمله های دشمنان وجود داشته، اما جمعیت ساکن در فلسطین در زمان باستان از منطقه بیرون نرفته است. (۲) در واقع، نواده های جمعیت یهودی عهد باستان در فلسطین همین فلسطینی های امروزند. آنانی که گفته می شود به سرزمین خود بازمی گردند کسانی هستند از اروپای غربی، شرقی و از مغرب (شمال آفریقا) که به دین یهود در آمده اند و همان طور که شلومو ساند می گوید: ملت یهود وجود ندارد. نه تاریخ مشترک و نه زبان و فرهنگ مشترک، بلکه دین آنها مشترک بوده و بادین، ملت درست نمی شود. وقتی ملت مسلمان و ملت مسیحی وجود ندارد، ملت یهودی هم وجود ندارد.

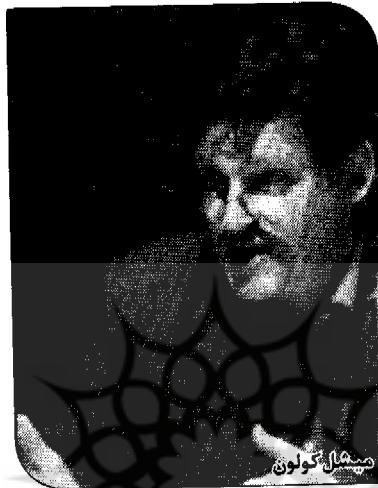
فلسطین هر چیزی بود جز بیابان

دروغ سوم: گفته می شود اگر مهاجران یهودی رفته اند و آنجا را مستعمره کرده اند مهم نیست، زیرا فلسطین سرزمینی خالی و غیر مسکونی بوده است. این هم دروغ بزرگی است. اسناد و شاهدانی تأکید می کنند که در اوایل قرن ۱۹، فلسطین دریای گندم بوده و محصولات کشاورزی آن مانند روغن، ضایع و پرتغال معروف جافا به فرانسه صادر می شده است. وقتی کولون های یهودی و نیروهای انگلیسی می خواستند در آنجا مستقر شوند دهقانان فلسطینی حاضر نمی شدند زمین های خود را رها کنند و به آنان تسلیم شوند. بین آنان و تازه واردان درگیری های متعدد رخ داد، تظاهرات، شورش، اعتصاب عمومی و مبارزات چریکی پیش آمد و بسیاری کشته شدند. آری فلسطین هر چیزی بوده جز بیابان. مقاومت اهالی را تنها با سرکوب بسیار سختی در هم شکسته اند که اشغالگران انگلیسی و سپس صهیونیست ها مرتکب شده اند.

فلسطینی ها به میل خود فلسطین را ترک کردند!!

دروغ چهارم: کسانی می گویند اینکه گفتید قبول، اما فلسطینی ها به میل خود آنجا را ترک کرده اند، این هم دروغی بزرگ و سخنی نادرست است. من زمانی این طور فکر می کردم و کسان زیادی چنین باوری داشتند که خود ناشی از تبلیغات اسرائیلی بود، تا زمانی که «مورخین

جدید اسرائیلی» مانند بنی موریس، ایلان پایه و دیگران پیدا شدند که گفتند ایدآ چنین نیست، بلکه فلسطینی ها را با اعمال خشونت تمام، ترور و عملیات منظم و پیوسته از سرزمین خویش طرد و اخراج کرده اند تا این سرزمین از سکنه اش خالی شود. آری این افسانه ای است که تحریف تاریخ است و اسرائیل آن را همواره از انظار پنهان نگاه داشته است.



میشال کولون

نه دموکراسی و نه قانون، بلکه پروژه توسعه طلبانه

دروغ پنجم: درباره وضع امروز می گویند که اسرائیل تنها دموکراسی در خاور میانه است و بنابراین باید از آن دفاع کرد، زیرا «دولت قانون» است. به نظر من اسرائیل دولت قانون نیست، بلکه تنها دولتی در جهان است که هیچ قانونی محدود و مرزهای آن را مشخص نمی کند. در تمام کشورهای دنیا قانون اساسی ای وجود دارد که معلوم می کند قلمرو کشور تا کجاست و فراتر از آن در قلمرو آن نیست، اما اسرائیل چنین وضعی ندارد، زیرا پروژه ای است توسعه طلبانه که مرز و محدوده ای ندارد و قانونش کاملاً نژاد پرستانه است مبنی بر اینکه اسرائیل دولت (یا کشور) یهود است و غیر یهودیان شهروندان مادون انسانند. چنین قانونی خود نفی و نقض دموکراسی است، پس اسرائیل را به هیچ رو نمی توان دموکراسی نامید، بلکه همان استعمار است و دزدی اراضی دیگران؛ یا کسادی قومی اهالی فلسطین است و نباید آن را به عنوان دموکراسی پذیرفت. البته خواهند گفت پارلمان و رسانه های گروهی دارد و امکان انتقاد از دولت

وجود دارد. اینها درست، اما بیک دولت که بر پایه غصب و دزدی سرزمین دیگران استوار باشد در واقع، دموکراسی بین دزدان و غاصبان است تا ببینند چگونه می توانند به دزدی ادامه دهند. این رانمی توان دموکراسی نامید، بلکه استعمار و دیکتاتوری است.

جریان بی دردسرنفت

دروغ ششم: می گویند هدفی که امریکا در حمایت از اسرائیل دارد همانا حمایت از دموکراسی در خاور میانه است. می دانیم که امریکا سالانه ۳ میلیارد دلار به اسرائیل کمک نظامی می کند تا همسایگانش را بمباران کند. اگر امریکا خواستار حمایت از دموکراسی است، پس جز امریکا چه کسی دیکتاتوری های عربستان سعودی، کویت و دیکتاتوری حسنی مبارک را در مصر - که همه دستشان به خون مردم آغشته است - حفظ و نگهداری می کند؟ در واقع، آنچه امریکا در منطقه می خواهد نه دموکراسی، بلکه جریان یافتن بی دردسرنفت است. از بین کسانی که در کتاب با آنها گفت و گو کرده ام، نوام چامسکی و سمیر امین این نکته را به روشنی بیان می کنند. امریکا خواهان کنترل جریان نفت است و با سرکوب می خواهد هر مانعی را از سر راه آن بردارد و کسانی را که نمی خواهند نفت خود را به رایگان در اختیار امریکا قرار دهند در هم بکوبد. این را در جنگ عراق و دیگر تجاوزهای امریکا دیده ایم، اما باید گفت که امریکایی می تواند به هر جا خواست حمله کند و هر کسی را که از او خوشش نمی آید به راحتی حذف کند. نوام چامسکی در گفت و گویش، امریکارا ژاندارم منطقه نامیده است. امریکا با کودتا علیه مصدق که منتخب مردم بود دیکتاتوری شاه را بر ایران تحمیل کرد، اما سرانجام نفوذ خود در ایران را از دست داد. امریکا تنها اسرائیل را در منطقه دارد و به همین دلیل از آن دائماً حمایت می کند. هر زمان که اسرائیل قوانین بین المللی را زیر پا می گذارد، مقررات ملل متحد و برابری بین افراد انسانی را نقض می کند امریکا از آن دفاع می کند. روشن است که این یک جنگ اقتصادی است که امریکا ادامه می دهد.

آمریکادر پی توافق اسرائیل و فلسطینی ها؟!

دروغ هفتم: وانمود می کنند که امریکا

در جست و جوی توافقی بین اسرائیلی ها و فلسطینی هاست. این هم صددرصد نادرست و دروغ است. خاویر سلوانا که وزیر خارجه اتحادیه اروپا بود چندی پیش خطاب به اسرائیل اعلام کرد که «شما دولت بیست و یکم اتحادیه اروپا هستید»، صنایع تسلیحاتی اروپا با صنایع تسلیحاتی اسرائیل همکاری می کنند و آن را تأمین مالی می کنند. کارفرماهای فرانسوی مانند لاگارد و داسو که به سارکوزی بسیار نزدیک هستند با اسرائیل همکاری تسلیحاتی دارند. برعکس، وقتی فلسطینی ها دولت خود را در انتخابات برگزیدند اروپا حاضر نشد آن را به رسمیت بشناسد و به اسرائیل بارها چراغ سبز نشان دادند که غزه را بمباران کند، بنابراین باید بر همه روشن باشد که وقتی رهبران اسرائیل مانند اولمرت، باراک و... غزه و کلا فلسطینی ها را بمباران می کنند، سارکوزی و مرکل و دیگران نیز در جنایت شریکند.

بهانه یهودی ستیزی

دروغ هشتم: وقتی شما این حرف ها را می زنید و تاریخ و سرگذشت اسرائیل و فلسطینی ها را می گوید و وقتی منافع امریکا را به خوبی در این ماجرا نشان می دهید می گویند شما «یهودی ستیز» هستید تا دها تان را ببندند. باید به روشنی گفت که وقتی از دولت اسرائیل انتقاد می کنیم نه تنها نژادپرست و یهودی ستیز نیستیم، بلکه برعکس از دولتی انتقاد می کنیم که برابری انسانی بین یهودی، مسیحی و مسلمان را زیر پا می گذارد و در نتیجه، صلح و آرامش را بین موجودات انسانی یهودی، مسیحی و مسلمان نقض می کند و به این دلیل است که باید دولت اسرائیل را از ارتکاب این جنایت بازداشت، زیرا استراتژی او چیزی جز اشاعه کینه و نفرت نیست.

اشغالگری، خشونت و مقاومت مشروع

مساوی بین یهودیان، مسیحیان، مسلمانان و لائیک ها، این همان تعریف درست دموکراسی است: یک نفر (مرد یا زن)، یک رأی، اسرائیل همواره این راه حل را رد کرده و برعکس، اقدام به زندانی کردن یا قتل و ترور نه تنها رهبران حماس، بلکه رهبران الفتح، جبهه خلق فلسطین و نیز جبهه دموکراتیک و... کرده است. اسرائیل حاضر به مذاکره نیست و اگر دلیلش را جست و جو کنیم پی می بریم که تنها دلیل این است که اسرائیل در خدمت جریان یافتن نفت به امریکا است. این جنگی اقتصادی، جنگی به خاطر نفت و منافع چند ملیتی هاست.

تنها چیزی که می تواند این روند را متوقف کند همانا فشار مردمی و شهروندی بر دولت هایی است که همدست اسرائیل هستند؛ در امریکا، اروپا و هر جای دیگر. فشار روی رسانه های گروهی که از بیان حقیقت و فاشگویی سرباز می زنند و افزون بر آن، به کارگیری اینترنت یا هر وسیله دیگری مانند آنچه ما انجام می دهیم، یعنی انتشار خبر نامه درباره فلسطین و... هر کسی باید دست به روشنگری بزند، دروغ زنی های رسانه ها را افشا کند تا بتوان به وضعیتی رسید که راه حلی جهت استقرار صلح در خاور میانه به دست آید و پیاده شود.

منبع: اینترنت

دروغ نهم: رسانه های گروهی پاسخ می دهند که فلسطینی ها عامل خشونت و تروریسم اند. حرف ما این است که خشونت یعنی همان استعمار، یعنی اشغالگری ارتش اسرائیل و سیاستی که از فلسطینی ها زمین، خانه و هر آنچه را که داشته اند دزدیده اند. این ارتش اسرائیل است که با ممانعت از اینکه فلسطینی ها یک زندگی عادی داشته باشند به خشونت دست می زنند. در سراسر راه به خانه، مزرعه، کارخانه، بیمارستان و اداره، با پست بازرسی (checkpoint) روبه رو هستی که گاه چند ساعت یا یک روز تمام معطل می شوید. هستند زنانی باردار که در نتیجه همین معطلی ها به بیمارستان نرسیده و خود یا بچه شان جانشان را از دست داده اند، بنابراین خشونت یعنی اشغالگری. توجه کنیم که سازمان ملل متحد در متون اساسی خود برای کلیه خلق های تحت ستم و استعمار زده این حق را به رسمیت می شناسد که به هر طریقی که خود آن را درست تشخیص می دهند در برابر اشغالگر مقاومت کنند، بنابراین مقاومت امری است مشروع و خشونت که همان اشغالگری است غیر قانونی و نامشروع.

هر شهروندی یک رأی، دموکراسی واقعی

دروغ دهم: مسئله ای که غالباً مطرح می شود این است که در برابر این همه کینه و نفرت که توسط اسرائیل و همدستان او اشاعه داده می شود، گویا دیگر راهی جز ادامه همین وضع نیست، زیرا هیچ راه حلی وجود ندارد. باید دانست که راه حل وجود دارد؛ سازمان های بزرگ فلسطینی از همان دهه ۱۹۶۰ [منظور سازمان الفتح در سال ۱۹۶۸] پیشنهادی بسیار دموکراتیک و ساده دادند، یعنی یک دولت بدون تبعیض و حقوق

پی نوشت:

- ۱- روزنامه نگار بلژیکی و نویسنده کتاب «اسرائیل در باره اش حرف بزنیم»:
- Michel Collon, Israel, parlons-en! Ed. Invest'g action-couleur livres, ۲۰۱۰.
- ۲- در: ک: مقاله «ملت یهود چگونه اختراع شد»، شلوموند.

گسل بین نهادی چگونه پر می شود

فائزه حسنی

مصوبه مجلس شورای اسلامی مبنی بر تأیید وقف دانشگاه آزاد و برگشت آن از سوی شورای نگهبان، از دیگر مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی و صدور اساسنامه جدید این دانشگاه، شکایت دانشگاه و حکم قضایی بر توقف موقت مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی و پس از آن دستور مجدد بررسی شکایت از سوی عالی ترین مقام قضایی و بنا به درخواست دادستان کل کشور، تصویب فوریت طرح «اعتبار مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی» در پاسخ به نمایندگان موافق وقف و حاشیه های این موضوع از یادداشت برخی روزنامه های افراطی، تجمع سازمان یافته به قول بعضی از نمایندگان در مقابل مجلس و سردادن شعارهایی توهم آمیز به قومقننه و مستولان مملکتی و نمایندگان تا ایجاد فضای درگیری در صحن علنی، نطق علی لاریجانی رئیس مجلس و پاسخ به منتقدان و شبهات مطرح شده، همه و همه حاصل مناقشه ای بود که بر سر شیوه اداره و ریاست دانشگاه آزاد در گرفت و سرانجام با دو نامه از مقام رهبری، مبنی بر توقف وقف از این سو و توقف هر گونه اقدامی مبنی بر اساسنامه جدید از سوی دیگر پایان یافت.

برخی از نمایندگان با این پرسش روبه رو شدند که بر اساس تفکیک و استقلال فوا، چه راهکار قانونی برای موضوعاتی از این قبیل وجود دارد تا از ایجاد شکاف و تداخل وظایف و مسئولیت ها پیشگیری شود. از یک سو مجلس تنها نهاد قانونگذاری است و از سوی دیگر بر اساس یک دیدگاه مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی اعتبار قانونی می یابد. علی مطهری نماینده مجلس، مجموعه سخنان رهبری را راهگشا می داند نه آن که صرفاً به یک جمله از ایشان اکتفا شود. زیرا در یک زمان مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی قانون قلمداد شده و در مقطع دیگری نقش سیاستگذاری برای آن در نظر گرفته شده است.

کامل این گزارش روی بایگه اینترنتی نشریه www.meisami.com قرار دارد.